

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقوری
فرستنده : محمود شاداب
۲۲ جولای ۲۰۱۸

[عالمی دیوانه شد]

کاکلت را شانه کردی عالمی دیوانه شد
این برهمن زاده را هر بی سر و پائی که دید
عشق را نازم که بر آه دلم تأثیر کرد
گر دلم از تیغ ابروی بتان شد چاک چاک
سالها بگذشت ، فرزندى خدا بر وی نداد
در طریق عشق عمری گرچه زنبازی نمود
بسکه با این شعله رویان داشت الفت عشقوری
شمع رویت را نمودی مرد و زن پروانه شد
همچو من ز نار بست و ساکن بتخانه شد
قطره های اشک چشم عاقبت دُر دانه شد
خوب شد کز بهر این مرغوله مویان شانه شد
حیف این خانم ، انار سینه اش بی دانه شد
ختم کار کوهکن در بیستون مردانه شد
نزد گبران جهان مزدور آتشخانه شد